

■ برنامه و واژه‌های کلیدی

حسن حاج‌علی‌فرد

اشاره:

برنامه، نیازمند هم‌زمانی است. ترمینولوژی واژه‌های برنامه، خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اگر از واژه‌های مشخص، تعدد مفاهیم و تفاسیر گوناگون، نادر گردد، لاجرم بین تهیه‌کنندگان، تصویب‌کنندگان، مجریان و ارزیابان برنامه فضایی از ابهام و بیگانگی پدید خواهد آمد. کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، در نخستین «سینار مدرس» ضرورت برداشت یکسان از واژه‌ها را مورد تأکید قرار دادند. به دنبال مباحث این سینار، واژه‌ها بعداً برای ریاست سازمان برنامه و بودجه ارسال شد و متعاقباً تعبیر مورد نظر سازمان برنامه و بودجه، از واژه‌های مذکور برایشان ارسال گردید. ضمن تشکر از سازمان مذکور و بویژه جناب آقای حاج‌علی‌فرد، توجه خوانندگان عزیز را به این مفاهیم جلب می‌کنیم.

هدف:

در برنامه‌ریزی توسعه، هدف عبارت است از مجموع آرزوها و خواسته‌های نهایی جامعه، اعم از اقتصادی، اجتماعی و یا فرهنگی که منبث از نظام ارزش‌های حاکم بر جامعه است.

استراتژی کلان و بخشی:

عبارت است از موضع‌گیری مشخص در زمینه مسائل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مثلاً توسعه صادرات) جهت نیل به هدف یا هدفهای معین در سطح کلان (مثلاً بهبود وضعیت تراز تجاری) و در سطح بخشی (مثلاً افزایش تولید محصول معین در بخش کشاورزی).

سیاست و خط مشی:

این دو واژه مترادف‌همند و تعریف آنها عبارت است از مجموعه تصمیم‌هایی که از سوی مدیریت نظام (مثلاً اقتصادی) برای هموار سازی اجرای استراتژیها و جهت حصول به اهداف مورد نظر اتخاذ می‌گردد.

دستورالعمل اجرایی:

عبارت است از کلیه ضوابط و ملاک‌های مشخص شده که جهت اجرای یک برنامه یا فعالیت باید مدنظر قرار بگیرد.

طرح:

عبارت است از بیان یک سلسله فعالیت‌های فنی - اجرایی برای رسیدن به یک هدف مشخص، مانند طرح آموزش حرفه‌ای (جهت تربیت کارگر ماهر) و یا طرح آبیاری (جهت افزایش محصول معین). به عبارت دیگر، طرح مجموعه‌ای از عملیات و خدمات مشخص و همبسته است که با هزینه معین، در یک دوره زمانی از قبل تعیین شده، (معین)، برای رسیدن به یک هدف انجام می‌گیرد.

پروژه:

در مفهوم بودجه‌ریزی، پروژه به مجموع عملیاتی اطلاق می‌گردد که در یک زمان مشخص با صرف منابع معین به منظور تولید (اجتماعی، اقتصادی - زیربنایی) انجام می‌شود. معمولاً پروژه بخشی از عملیات یک طرح را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، هر طرح شامل چند پروژه می‌تواند باشد.

مناطق محروم:

معمولاً به مناطق جغرافیایی یک کشور اطلاق می‌گردد که ساکنان آن از نظر برخی از شاخص‌های رفاهی (بهداشتی - اقتصادی - اجتماعی - زیربنایی) فاقد برخورداری از استانداردهای متداول در بیشتر نقاط کشور هستند.

نظر در چارچوب ساختار اقتصادی موجود،
مثل یک مانع عمل می‌کند.

خصوصی سازی:

عبارت است از واگذاری مالکیت و مدیریت بنگاههای تولیدی تحت پوشش دولت به بخش خصوصی، به طوری که هر نوع تصمیم مربوط به تولید، فروش و بازار، توسط بخش خصوصی صورت گیرد.

تمرکز زدائی:

عبارت است از تفویض اختیارات نسبت به تصمیم‌گیری در زمینه‌های مختلف از مرکز به واحدهای تابعه (در مفهوم و فرهنگ تشکیلات اداری)

تمرکز زدائی:

در فرهنگ برنامه‌ریزی، عبارت است از پراکنده کردن واحدهای تولیدی در مناطق مختلف یک کشور.

تعدیل اقتصادی:

عبارت است از اصلاح و تغییر سیاستها و مقررات و دستورالعمل‌های موجود به جهت انطباق با مجموعه برنامه‌ها و سیاست‌های متکی به نظام بازار.

بخشهای اقتصادی:

فعالیت‌های اقتصادی در هر کشوری طبق استانداردهای حسابداری ملی، بسته به این که از نظر تولیدی، دارای وجه اشتراک زیادی باشند، در گروهی تحت عنوان «بخش» مثلاً کشاورزی قرار داده می‌شود.

ساختار اقتصادی:

عبارت است از مجموعه شرایط اقتصادی که در آن الگوهای رفتاری در زمینه مسائل مختلف اقتصادی (مثلاً مصرف، سرمایه‌گذاری، تجارت، تولید) از روابط و قواعد خاص پیروی می‌کند.

بودجه:

ر مفهوم برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عبارت است از یک برنامه جامع دخل و خرج کشور که به منظور نیل به هدفها و اجرای سیاستها و خط مشی‌های آتی کشور، در چارچوب برنامه جامع عمرانی (پنجساله) هر ساله تهیه و تنظیم می‌گردد.

تنگناهای ساختاری:

عبارت است از عدم وجود یک یا چند عامل زیر بنایی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی که در جهت نیل به اهداف مورد

محرومیت زدائی:

عبارت است از مجموعه اقداماتی که منجر به رفع یا کاهش کمبودهای (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیربنایی) در هر منطقه محروم می‌گردد.

مقررات زدائی:

عبارت است از حذف یا کاهش یا تغییر در مقررات و رویه و دستورالعمل‌های اداری، جهت تسهیل در گردش فعالیت‌ها در زمینه‌های مختلف (اقتصادی، اجتماعی) براساس ضرورتها و الزام‌های «قانونمندی نظام بازار».

بار تکفل:

عبارت است از مسئولیت تامین نیازهای اقتصادی چندین نفر توسط یک نفر که این میزان، از جامعه‌ای به جامعه دیگر فرق می‌کند. این شاخص معمولاً از تقسیم جمعیت غیر شاغل به جمعیت شاغل به دست می‌آید.

خودکفائی:

عدم نیاز به واردات از دنیای خارج در مورد هر کالا و خدمات معین.

خوداتکائی:

عبارت است از برخورداری از یکسری

ویژگیهای اقتصادی که مدیریت اقتصادی را در تامین نیازمندیهای تولیدی - فنی، به نتیجه فعالیت تولیدی کشور (درآمد ارزی و ریسالی) متکی می‌کند (مثل واحدهای صنعتی که ارزی خود را در زمینه‌های مختلف از محل صادرات تامین می‌کنند)

استقلال اقتصادی:

اقتصادهای خوداتکا می‌توانند دارای استقلال اقتصادی باشند. یعنی به طور مستقل و بدون دخالت فشارهای خارجی نسبت به منافع اقتصادی خود تصمیم می‌گیرند.

تعادل:

تعادل در نظام بازار به معنی برابری نیروی عرضه و تقاضا است که نقطه تلاقی آن نیروها، متغیر قیمت را برای ما مشخص می‌کند. به این ترتیب ما همیشه در دنیای واقعی شاهد تعادل هستیم.

عدم تعادل:

وقتی یکی از سه عامل عرضه، تقاضا و یا قیمت، به طور دستوری، ثابت فرض می‌شود، در این صورت عدم تعادل می‌تواند اتفاق بیافتد. به عبارت دیگر، عدم تعادل عبارت است از نابرابری نیروی عرضه و تقاضا، وقتی حاصل برخورد این دو نیرو (یعنی قیمت) از قبل تعیین و ثابت فرض شده باشد.

دولت از بخش خصوصی کشور، از طریق انتشار اوراق قرضه یا طرق دیگر.

استقراض خارجی:

عبارت است از استقراض اسعار خارجی توسط دولت از منابع غیر داخلی، مثل دولت‌های خارجی و یا موسسات مالی بین‌المللی.

دیون ملی:

عبارت است از کل تعهدات بدهی دولت که از طریق انتشار اوراق بهادار (قابل مبادله و غیر قابل مبادله) ایجاد شده باشد.

موازنه پرداختها:

در واقع جدولی است که جمع‌بندی دریافتها و پرداختهای جاری و سرمایه‌ای کشور را که در طول زمان مشخص، مثلاً یک سال با دنیای خارج صورت می‌گیرد، ارائه می‌دهد. دریافتها و پرداختها در این موازنه، ممکن است مربوط به معاملات همان سال نباشد و بالعکس دریافتها و پرداختهای مربوط به معاملات سال‌های گذشته ممکن است در این موازنه انعکاس یابد.

تکنولوژی و انتقال تکنولوژی:

تکنولوژی عبارت است از دانش و فن ساخت و عرضه کالا و خدمات و انتقال تکنولوژی عبارت است امکان وارد کردن آن تکنولوژی از دنیای خارج با توجه به محدودیت‌های موجود که توسط کشورهای صنعتی اعمال می‌شود.

یوآنس:

عبارت است از استفاده از مکسانیم پرداخت‌های معوقه در خرید کالا از خارج.

BUY BACK:

عبارت است از نوعی قرار داد تجاری با طرف‌های سرمایه‌گذار خارجی و طبق آن، کشور میزبان تولید خود را به کشور سرمایه‌گذار صادر می‌کند (می‌فروشد).

سرمایه‌گذاری مشترک:

عبارت است از مشارکت دو کشور (چه توسط دولت‌ها و چه توسط اطاق‌های بازرگانی) در امر سرمایه‌گذاری در یک یا هر دو کشور و یا در کشور ثالث.

استقراض داخلی:

عبارت است از استقراض پول توسط

موازنه ارزی:

دارای ماهیت موازنه پرداختها است، با این تفاوت که پرداختها و دریافتهای جاری و سرمایه‌ای مربوط به معاملات سال مورد گزارش را فقط نشان می‌دهد.

به هزینه تولید همین کالا در کشور B، کوچکتر از نسبت مشابه برای کالای Y باشد، در این صورت گفته می‌شود که کشور A در تولید کالای X دارای مزیت نسبی است.

مزیت مطلق: عبارت است از حالتی از ساختار تولیدی که یک کشور با منابع معین، مقدار بیشتری از محصول را در مقایسه با کشور دیگر تولید می‌کند.

حساب سرمایه:

حسابی است که دریافتها و پرداختهای مربوط به قرض وام و یا انجام سرمایه‌گذاری با دنیای خارج را نشان می‌دهد.

ارزبری:

عبارت است از نیاز ارزی که هر پروژه سرمایه‌گذاری جهت تولید هر واحد محصول ایجاد می‌کند.

ارز اندوزی:

عبارت است از میزان منابع ارزی که هر پروژه سرمایه‌گذاری در تولید محصول خاصی سبب پس انداز ارزی (جایگزین واردات) می‌گردد.

منابع و مأخذ:

- ۱- مجموعه اطلاعاتی (قوانین و آمار) قانون برنامه و بودجه فصل اول: معاونت امور اقتصادی، دفتر اقتصادکلان

- ۲- تعاریف اقتصادی - اجتماعی - واژه‌های برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی - سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۱

- ۳- دیکشنری اقتصادی Modern Economics

مزیت نسبی و مزیت مطلق:

مزیت نسبی: به حالتی از وضعیت اقتصادی اطلاق می‌شود که چنانچه نسبت هزینه تولید یک واحد کالای X در کشور A